

امکانات صادراتی مرکبات ایران

دکتر محمود ختائی * مجید مداح **

چکیده

هدف کلی این مقاله، تعیین ظرفیت بالقوه صادرات مرکبات ایران از طریق شناخت ظرفیتهای منابع تولید، تعیین موقعیت نسبی ایران به لحاظ شاخصهای مزیت در طرف تولید و تجارت مرکبات و مشکلات و موانع صادرات این محصول می باشد. کشورهای مورد بررسی در این مطالعه اسپانیا، آمریکا، ایتالیا، ایران، برزیل، پاکستان، ترکیه، چین، رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) و هند می باشد.

به طور خلاصه می توان گفت که این مطالعه در جستجوی پاسخی مناسب برای مسایل زیر می باشد:

امکانات صادراتی مرکبات ایران در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳ چیست؟ در این سالها چه میزان مرکبات از لحاظ وزن و ارزش قابل صدور می باشد؟
موقعیت نسبی ایران به جهت شاخصهای مزیت در طرف تولید و تجارت مرکبات در بین کشورهای عمده تولید کننده و به ویژه کشورهای تولید کننده منطقه، چیست؟
راه حل مسأله چیست؟ چه پیشنهاداتی برای افزایش تولید و تقویت صادرات کشور وجود دارد؟

رتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

** دانشجوی دوره دکترای اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

تحقق اهداف مربوط به صادرات غیرنفتی که در سالهای اخیر بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفته است، در گرو استفاده مطلوب از امکانات بالقوه و مزیت‌های نسبی اقتصادی کشور است. در این میان، به نظر می‌رسد با توجه به تنوع شرایط اقلیمی و جغرافیایی، وسعت خاک و آب و نیروی انسانی، امکانات در خور توجهی برای تولید و صادرات فرآورده‌های کشاورزی به ویژه در زیر بخش‌های زراعت (عمدتاً باغداری) و دامداری (عمدتاً شیلات و منابع دریایی) وجود دارد که البته دستیابی به آن، منوط به استفاده بهتر از امکانات و مزیت‌های زیر بخش‌های یاد شده است. در زیر بخش زراعت (باغداری) مرکبات از جهت تولید و سطح زیر کشت، از مهمترین محصولات دائمی کشور است. گسترده‌گی سطح زیر کشت و شرایط مساعد جغرافیایی در شمال و مناطقی از جنوب کشور، ظرفیت بالقوه‌ای به مراتب فراتر از توان بکار گرفته شده در تولید مرکبات، به وجود آورده است.

عملکرد در واحد سطح مرکبات، هنوز از میانگین کشورهای عمده تولید کننده و متوسط عملکرد جهانی فاصله بسیاری دارد، چنانچه تمهیدات لازم جهت افزایش بهره‌وری تولید اندیشیده شود، مطمئناً تولید مرکبات ایران از رقم فعلی بالاتر خواهد رفت. این افزایش تولید چنانچه با برنامه کاهش ضایعات مرکبات در سالهای آتی همراه باشد، فراهم کننده توان بالقوه‌ای جهت صدور مرکبات خواهد بود. برآوردهای این مقاله نشان می‌دهد ایران در سال ۱۳۸۳ توان صادرات ۴۰۰ هزار تن مرکبات به ارزش ۷۰ میلیون دلار را خواهد داشت.

حال، با توجه به این که توان بالقوه صدور و قابلیت‌های تولید مرکبات تنها شرط لازم برای توسعه صادرات بوده و به هیچ وجه تضمین کننده مزیت کشور در عرضه صدور نخواهد بود، باید وضعیت ایران از لحاظ شاخصهای مزیت در طرف تجارت نیز مورد بررسی قرار گیرد تا بدین ترتیب با رفع موانع موجود در مرحله صادرات، قابلیت‌های تولیدی کشور جهت صادرات تعیین و موجب افزایش سهم ایران در بازار جهانی مرکبات گردد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد به رغم مزیت ایران در مرحله تولید مرکبات، نسبت به کشورهای عمده تولید کننده، کشور ما در مرحله صدور از مزیت برخوردار نیست و در ترکیب شاخصهای تولید و تجارت در رتبه پایین تری قرار می‌گیرد.

از دیرباز بخش کشاورزی، به دلیل تأمین نیازهای غذایی کشور به عنوان یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی کشور مطرح بوده است. کشاورزی ایران در دهه اخیر رشد و توسعه چشمگیری داشته به

طوریکه افزایش تولید میوه، کشور را در ردیف کشورهای عمده تولیدکننده محصولات باغی در جهان قرار داده است. با وجود این تحولات، هنوز کمبود برخی از محصولات کشاورزی و فرآورده‌ها وجود دارد که از طریق واردات تأمین می‌شود. آمار بازرگانی خارجی نشان می‌دهد که واردات مواد غذایی کشور در سالهای اخیر رو به افزایش بوده است تا جایی که در سال ۱۳۷۵ حدود ۴ میلیارد دلار مواد غذایی نظیر گندم، ذرت، گوشت، علوفه و... وارد شده است. بدین ترتیب، هر ساله قسمتی از درآمدهای ارزی کشور که می‌بایستی صرف عمران و آبادانی و تقویت زیرساختهای اقتصادی گردد، در جهت ورود مواد غذایی مصرف می‌شود. این امر در حالی است که کشور در صدور محصولات کشاورزی، توفیق چندانی نداشته و حداکثر یک میلیارد دلار صادرات دارد. این مسأله موجبات منفی شدن تراز بازرگانی را در بخش کشاورزی در سالهای اخیر فراهم آورده است و بیم آن می‌رود که این تراز در سالهای آتی منفی‌تر نیز گردد. این مسأله آینده تاریکی را در بخش بازرگانی خارجی ایران ترسیم خواهد کرد. چه باید کرد؟

بدیهی است راهی بجز حداکثر استفاده از امکانات بالقوه بخش کشاورزی به خصوص باغداری در جهت حداقل صفر کردن تراز منفی بخش، وجود ندارد. چنانچه گفته شد، یکی از محصولات باغی که به نظر می‌رسد در ارزآوری و جبران بخشی از کسری تراز بخش بازرگانی نقش به‌سزایی داشته باشد، مرکبات است. مرکبات یکی از مهمترین محصولات باغی کشور است که با توجه به گستردگی سطح زیرکشت و شرایط مطلوب جغرافیایی در مناطق مختلف کشور، امکان افزایش عملکرد در واحد سطح مرکبات و کوشش در جهت کاهش ضایعات این محصول، به نظر می‌رسد از ظرفیت بالقوه‌ای در تولید به مراتب فراتر از توان بکارگرفته شده برخوردار باشد. حال، از آن جاییکه افزایش تولید مرکبات علاوه بر تأمین نیازهای داخلی می‌تواند به جهت کسب درآمدهای ارزی و جبران بخشی از کسری تراز بخش بازرگانی مورد توجه قرار گیرد، باید ضمن شناسایی موقعیت نسبی ایران در بازار جهانی مرکبات، موانع صادراتی شناسایی شده و کوشش لازم برای رفع آنها به عمل آید. در این ارتباط، آمارهای تولید و تجارت جهانی مرکبات نشان می‌دهند که ایران در حال حاضر در ردیف ۱۰ کشور عمده تولیدکننده مرکبات در جهان قرار دارد و به لحاظ تولید، وضعیتی به مراتب بهتر از کشورهای تولیدکننده منطقه نظیر ترکیه، رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل)، چین، پاکستان، لبنان، و... دارد، ولی از جهت صدور توفیق چندانی نداشته و رقم صادرات آن در مقابل صادرات کشورهای عمده و منطقه بسیار

ناچیز بوده به نحویکه به میزان ۰/۳۴ درصد در صادرات جهانی مرکبات سهم دارد. این امر موجب شده است ایران مزیت‌های تولیدی خود را در مرحله صدور از دست داده و دارای موقعیت مناسبی نباشد. از جمله منابع آماری که در این مطالعه از آنها استفاده شده و به علت کثرت موارد استفاده، از ذکر آنها به صورت پانویس خودداری شده است، می‌توان به آمارنامه کشاورزی (۷۴ - ۱۳۶۰) و آمار بودجه خانوار شهری و روستایی مرکز آمار ایران (۷۴ - ۱۳۵۵)،
FAO, FAO, Production FAD, FAO, Trade Yearbook (1980 - 1994) Yearbook (1980 - 1995) اشاره کرد.

۱. پیش‌بینی توان صادراتی مرکبات ایران

۱-۱. برآورد تولید مرکبات

معمولاً در پیش‌بینی‌های اقتصادی، به منظور دوری جستن از ارایه ارقام مشخص و معین از سناریو سازی استفاده می‌شود. در این روش، مقادیر متغیرهای اقتصادی برای دوره‌های آتی براساس گزینه‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود که هر یک از این گزینه‌ها به تحقق سیاستها یا برنامه‌ها و مبتنی بر مفروضات است.

در مطالعه حاضر نیز از آنجایی که قرار است محاسبات برای دو مقطع زمانی ۷۸ و ۸۳ (سالهای مقارن با پایان برنامه دوم و سوم توسعه) انجام گیرد، استفاده از گزینه‌های مختلف تحت عنوان اهداف برنامه، کمیته، بیشینه و خوش بینانه و براساس شاخص عملکرد در هکتار تولید مرکبات، طراحی شده‌اند.

الف. گزینه اهداف برنامه

در برنامه ۱۴۰۰ وزارت کشاورزی^۱ در بخش میوه‌های نیمه گرمسیری، سطح زیر کشت باغات

۱. برنامه ایران ۱۴۰۰ که توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه شده، تصویری از اهداف کلان کشور را در بخشهای مختلف اقتصادی طی ۲۶ سال آینده نشان می‌دهد. از آنجایی که تا زمان ویرایش این پژوهش، برنامه ۱۴۰۰ منجر به تدوین لایحه و برنامه جهت اجرا نشد ولی به دلیل محدودیتهایی که با آن مواجه بوده‌ایم از اهداف برنامه به عنوان ملاکی جهت برآورد تولید استفاده شده است.

مرکبات طی ۲۶ سال آینده در سطح ۲۰۰ تا ۲۲۵ هزار هکتار در نظر گرفته شده و همچنین گزینه‌های چهارگانه براساس افزایش حدود ۷الی ۱۷ تن عملکرد در هکتار تنظیم شده است. به منظور افزایش راندمان تولید بر اصلاح و جایگزینی باغات که شامل حذف درختان زاید بیمار و خشک، اصلاح و هرس درختان، اصلاح شبکه‌های آبیاری و جایگزینی روشهای نامناسب آبیاری با روشهای آبیاری تحت فشار و یا سایر روشهای صحیح آبیاری، تنظیم فواصل کاشت، تغییر سیستم کاشت، پیوند کردن درختان جوان، اعمال روشهای صحیح برداشت محصول و طرق بسته‌بندی و... تأکید شده است.

در این مقاله، سطح زیر کشت مرکبات در سالهای مورد بررسی در حد ۲۲۰ هزار هکتار ثابت فرض شده و همچنین در گزینه اهداف برنامه از بین چهار گزینه مفروض در زمینه عملکرد در هکتار، تنها به افزایش ۷ تن بازدهی طی ۲۶ سال آینده اشاره شده است و به دلیل وجود فرض گزینه‌های خوش بینانه در این تحقیق، از اهداف برنامه در گزینه‌های مطلوب استفاده نشده است. با توجه به اینکه در این برنامه به افزایش ۷ تن عملکرد در هکتار (مرکبات) طی ۲۶ سال آینده اشاره شده، می‌توان گفت براساس اهداف برنامه ۱۴۰۰ عملکرد در هکتار تولید در دو مقطع زمانی ۷۸ و ۸۳ به ترتیب به ۱۶/۲ و ۱۷/۶ تن در هکتار خواهد بود. با احتساب ۲۲۰ هزار هکتار سطح زیر کشت مرکبات، تولید در سالهای مورد بررسی به دست خواهد آمد.

ب. گزینه کمینه

این گزینه براساس عدم تغییر سیاستها و تحولات پرونزا و ادامه روند گذشته در آینده طراحی و تعریف می‌شود. در این گزینه فرض می‌شود متغیرها در گذشته به همان صورت و با همان روند در آینده ادامه خواهند یافت.

حال با توجه به اینکه در طی دوره زمانی (۷۴ - ۶۱) بازدهی تولید مرکبات از رشد متوسط سالانه ۳/۷ درصد برخوردار بوده است، براساس گزینه کمینه که در آن فرض می‌شود روند گذشته متغیر در آینده هم ادامه یابد می‌توان گفت در سالهای ۷۸ و ۸۳ بازدهی تولید به ترتیب به ۱۷/۶ و ۲۱ تن در هکتار خواهد رسید. با فرض سطح زیر کشت ۲۲۰ هزار هکتار، تولید این سالها را می‌توان به دست آورد.

ج. گزینه‌های بیشینه و خوش بینانه

در این گزینه‌ها، برآورد تولید بر اساس بازدهی تولید در کشورهای عمده تولیدکننده انجام

می‌شود. بازدهی تولید در کشورهای عمده تولیدکننده مرکبات مانند برزیل، امریکا، رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل)، ترکیه و... به علت سرمایه‌گذاریهای زیربنایی در باغات، مکانیزه بودن مراحل کاشت - تولید - برداشت و رعایت کلیه عوامل بهزراعی، تولید ۳۰ تن در هکتار می‌باشد. در حالی که عملکرد مرکبات ایران در سال ۷۴، ۱۵/۲ تن در هکتار بوده است که به نظر می‌رسد این میزان با فرض شرایط مساعد آب و هوایی و سرمایه‌گذاریهای آتی وزارت کشاورزی در زمینه‌هایی چون اندازه مناسب سطح اراضی، ارایه آموزشهای لازم به کشاورزان، رعایت فاصله منظم در کاشت نهالهای جدید، حذف واریته‌های (نژادهای) کم بازده، حمایت‌های دولت از کشاورزان از طریق اعطای تسهیلات مالی به باغداران و دادن نهاده‌های مطلوب به کشاورزان و افزایش قیمت تضمینی مرکبات و از همه مهمتر بیمه کردن مرکبات در مقابل حوادث غیر مترقبه و... قابلیت بهبود و نزدیک شدن به مقیاسهای جهانی را دارا باشد. با فرض برقراری شرایط فوق، پیش‌بینی وضعیت عملکرد در هکتار مرکبات ایران در گزینه‌های پیشینه و خوش بینانه به شرح زیر است:

در گزینه پیشینه فرض می‌شود تا سال ۷۸، روند گذشته بازدهی تولید مرکبات (رشد متوسط سالانه ۳/۷) ادامه یافته و پس از آن سرمایه‌گذاریهای زیربنایی دولت در باغات در زمینه افزایش بازدهی تولید به تدریج به بار نشسته و باعث شود تا بازدهی تولید به $\frac{4}{5}$ متوسط عملکرد کشورهای عمده تولیدکننده که برابر با ۳۰ تن در هکتار می‌باشد، برسد.

جدول ۱- گزینه‌های مختلف جهت برآورد تولید

گزینه	سال	
	۱۳۷۸	۱۳۸۳
برنامه	هدف برنامه	هدف برنامه
کمینه	روند گذشته بازدهی	روند گذشته بازدهی
پیشینه	روند گذشته بازدهی	$\frac{4}{5}$ متوسط عملکرد کشورهای عمده تولیدکننده
خوش بینانه	--	صد درصد متوسط عملکرد کشورهای عمده تولیدکننده

مأخذ: نتایج محقق

جدول ۲- برآورد تولید مرکبات در دو مقطع زمانی ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳

سال		گزینه	شاخص
۱۳۸۳	۱۳۷۸		
۱۷/۶	۱۶/۲	هدف برنامه	عملکرد در هکتار (تن در هکتار)
۲۱	۱۷/۶	کمینه	
۲۴	۱۷/۶	بیشینه	
۳۰	-	خوش بینانه	
۳۸۷۲۰۰۰	۳۵۶۴۰۰۰	هدف برنامه	میزان تولید (تن)
۴۶۲۰۰۰۰	۳۸۷۲۰۰۰	کمینه	
۵۲۸۰۰۰۰	۳۸۷۲۰۰۰	بیشینه	
۶۶۰۰۰۰۰	-	خوش بینانه	

مأخذ: نتایج محاسبات محقق

۲-۱. برآورد تقاضای مرکبات

در برآورد مدل تقاضا تابع تقاضای زیر به صورت خطی، لگاریتمی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (O. L. S) برآورد شده است.

$$X_{it} = a \cdot y_t^B \cdot P_{it}^{B_{ij}} \cdot P_{jt}^{B_{ij}} \cdot P_{kt}^{B_{ik}} \cdot e^{bt+u}$$

X_{it} = میزان مصرف (برحسب مقدار یا ارزش) کالای i در زمان t

Y_t = درآمد مصرف کننده در زمان t

P_{kt} = قیمت کالای k (مکمل کالای i) در زمان t

P_{it} = قیمت کالای i در زمان t

t = متغیر زمان

P_{jt} = قیمت کالای j (جانشین کالای i) در زمان t

U = جمله اختلال

برای آزمون معنی دار بودن ضرایب تخمین زده شده، از آماره t (نسبت ضریب تخمین زده شده به خطای استاندارد) استفاده شده است. در کنار R^2 آماره F که نشان دهنده معنی دار بودن کلی رگرسیون می باشد، محاسبه شده است. در معادلاتی که آزمون $D.W.$ دلالت بر وجود همبستگی زمانی در جملات باقیمانده داشته باشد، به منظور رفع خود همبستگی از روش خود رگرس کننده درجه اول^۲ و میانگین متحرک^۳ استفاده شده است.

در الگوی حاضر، در تمام موارد آماره های سالیانه در دوره زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۴ مورد استفاده قرار گرفته اند. همچنین در تمام مدل های تخمین زده شده به صورت خطی یا لگاریتمی، متغیر وابسته، مصرف مرکبات خانوار - کیلوگرم (MSS) و متغیرهای مستقل شامل درآمد خانوار به قیمت ثابت سال ۶۱ (GDPS)، قیمت نسبی مرکبات (نسبت شاخص بهای مرکبات به شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به قیمت ثابت ۶۱، $SHAC_1$)، قیمت نسبی دیگر میوه ها به استثنای مرکبات (شاخص بهای دیگر میوه ها به استثنای مرکبات تقسیم بر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به قیمت ثابت ۶۱، $SHAD_1$) می باشد.^۴

پس از تخمین فرم خطی و لگاریتمی تابع تقاضای مرکبات، نتایج زیر حاصل شد.

$$MSS = ۵۶/۴۰۶۲۸۵ + ۴/۱۸۶E - ۰۰۵GDPS - ۰/۶۰۳۹۸۶۲SHAC_1 MA \quad (1)$$

$$\begin{matrix} (۳/۲۵) & (۲/۶۷) & (-۸/۶۶) \end{matrix}$$

$$R^2 = ۰/۸۷$$

$$F = ۲۴/۷$$

$$R^2 = ۰/۸۳$$

$$D.W = ۲/۱$$

در این مدل، آماره F و ضریب تشخیص در سطح خوبی قرار دارند و نشان می دهند که متغیرهای توضیحی سمت راست به خوبی تغییرات MSS را تشریح می کند. پارامتر ثابت مدل (۵۶/۴) میزان

2. Auto Regressive (AR)

3. Moving Average (MA)

۴. در تابع تقاضا بهتر است از شاخص بهای میوه هایی که در فصل عرضه مرکبات به بازار به عنوان کالای جانشین مرکبات مطرح اند، استفاده شود. ولی در اینجا، به علت نبود آمار و اطلاعات مورد نیاز از شاخص بهای دیگر میوه ها به استثنای مرکبات، به عنوان میوه های جانشین مرکبات استفاده شده است.

مصرف مرکبات خانوار را در سطح کشور با فرض صفر بودن دیگر متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد. ضرایب درآمد و قیمت از لحاظ آماری و اقتصادی قابل قبول و معنی‌دار می‌باشند و از آنجا که آماره دورین - واتسون نزدیک به ۲ است، بیانگر عدم وجود خود همبستگی بین جملات پسماند می‌باشد.

$$LMSS = -12/7858 + 1/5925 LGDPS - 1/2428 LSHAC_1 \quad AR(1) \quad (2)$$

(-2/74) (4/55) (-8/69)

$$R^2 = 0/86 \quad F = 20/8$$

$$R^2 = 0/82 \quad D.W = 2/10$$

ضرایب شکل لگاریتمی تابع تقاضای مرکبات نیز از لحاظ اقتصادی و آماری معنی‌دار می‌باشند. کاهش درآمدی و قیمتی تقاضا در تابع فوق به ترتیب ۱/۵ و ۱/۲- می‌باشند. این مقادیر نشان دهنده لوکس بودن و باکشی بودن مرکبات در سبد خانوارهای کشور هستند. از آنجایی که به نظر می‌رسد مرکبات از لحاظ نوع کالایی در بین خانوارهای شهری و روستایی دارای خصوصیات متفاوتی می‌باشند، لذا برآورد منحنی انگل شهری و روستایی اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد.

پس از تخمین فرم خطی و لگاریتمی تابع تقاضای مرکبات، تابع تقاضای (۱) را در نظر گرفته و مقدار تابع را برای سالهای مورد بررسی پیش‌بینی می‌کنیم. به منظور پیش‌بینی مقدار تابع، می‌بایستی هر یک از متغیرهای توضیحی تابع یعنی GDP_1 و $SHAC_1$ برآورد گردند. برای برآورد GDP_1 (۱۳۶۹=۱۰۰) ابتدا GDP در سالهای ۷۸ و ۸۳ برآورد شده است. در برآورد GDP از نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی تا سال ۷۸ (۵/۱ درصد) که در برنامه دوم آمده و همچنین از نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی برای دوره ۸۵-۷۹ (۵ درصد) که در برنامه ایران ۱۴۰۰ سازمان برنامه آمده است، استفاده شده است. پس از برآورد GDP، با فرض نرخ رشد متوسط سالانه ۱/۶ درصد برای جمعیت، میزان این متغیر در سالهای ۷۸ و ۸۳ برآورد شده است. با تقسیم ارقام تولید ناخالص داخلی به جمعیت کشور، درآمد سرانه در این سالها به دست آمده است. حال، با فرض ثابت ماندن بعد خانوار در سطح ۴/۸ نفر، درآمد خانوار برای سالهای مورد نظر به دست می‌آید. همچنین برای برآورد $SHAC_1$ به طریق زیر عمل می‌شود.

از آنجایی که شاخص بهای مرکبات و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خود به عوامل دیگری بستگی دارد که اگر می‌خواستیم آن عوامل را در نظر بگیریم، موضوع مقاله دیگری می‌شد، لذا

در برآورد ۲ شاخص مذکور، روند گذشته در دوره زمانی ۷۴-۱۳۶۰ در نظر گرفته شده است که در این ارتباط، نرخ رشد متوسط سالانه ۱۴/۷ و ۲۰/۴ درصد به ترتیب برای شاخص بهای مرکبات و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به دست داده شد. این دو نرخ، با برآزش مدلهای رشد به دست آمده‌اند. حال، با توجه به اینکه میزان شاخص بهای مرکبات و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۷۴ به ترتیب ۹۰۵ و ۱۳۱۴/۵ بوده‌اند، با فرض ثابت ماندن نرخ رشدهای به دست آمده از این دو شاخص طی سالهای آتی، قیمت نسبی مرکبات در سال ۷۸ برابر با ۵۶/۸ خواهد بود. از آنجایی که برآورد شاخص قیمتها برای ده سال آینده عملاً غیر منطقی و همراه با خطای بسیار است، لذا جهت برآورد قیمت نسبی مرکبات در سال ۸۳، رقم به دست آمده برای سال ۷۸ را طی سالهای ۸۳-۷۸ ثابت فرض کرده‌ایم. جدول زیر (برآورد) متغیرهای توضیحی در سالهای ۷۸ و ۸۳ را نشان می‌دهد.

جدول ۳- برآورد GDPS و SHAC در مدل تقاضای مرکبات برای سالهای ۷۸ و ۸۳

درآمد خانوار (۱۰۰ = ۱۳۶۱) ریال	شاخص بهای مرکبات به شاخصهای بهای کالاها و خدمات مصرفی (۱۰۰ = ۱۳۶۱)			
۱۳۰۳۸۱۹/۳۴۲	۵۶/۸	۷۸	میزان	
۱۵۳۷۰۸۰/۱۷	۵۶/۸	۸۳	شاخص	

مأخذ: نتایج محاسبات محقق

پس از قرار دادن متغیرهای توضیحی برآوردی در تابع تقاضای مرکبات، مقدار تابع در سالهای ۷۸ و ۸۳ به ترتیب ۷۷ و ۸۷ کیلوگرم به دست می‌آید.^۵

۵. در این ارتباط، برآوردهای دیگری نیز انجام شده است. از جمله، براساس ترازنامه غذایی تهیه شده، مصرف ایده‌آل مرکبات برای هر فرد ۴۵/۵ کیلوگرم برای هر نفر است که می‌تواند مبنایی برای برآورد مصرف سالهای آتی باشد. طبعاً استفاده از این روش، توان صادراتی راکاهش خواهد داد.

۱-۳. برآورد توان صادراتی مرکبات ایران در مقاطع زمانی ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳

منظور از توان صادراتی مرکبات، میزان مرکبات مازاد بر مصرف داخلی است که می‌توان آن را صادر کرد، اگر فرض کنیم تقاضای بالقوه همان تقاضای بالفعل می‌باشد، با در نظر گرفتن مصرف برآوردی مرکبات خانوار در سالهای ۷۸ و ۸۳ و جمعیت برآوردی در این سالها می‌توان به میزان مصرف مرکبات کشور در این سالها رسید.

همانطور که در بخش تولید توضیح دادیم، سالانه حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از مرکبات تولیدی در مراحل مختلف برداشت، حمل، انبار، خرده فروشی و مصرف کننده ضایع می‌شود و از مدار مصرف خارج می‌گردد.^۶

به علاوه، براساس اطلاعات موجود، واحدهای فعال کنسانتره مرکبات در کشور قدرت جذب حدود ۳۰۰ هزار تن مرکبات را در سال دارند.^۷ با این فرض که تا سالهای ۷۸ و ۸۳، افزایش بهره‌وری در مراحل مختلف بازاریابی مرکبات، ضایعات را از حدود ۴۰ درصد به ۳۰ و ۲۵ درصد تولید تقلیل دهد، اگر این ارقام را در گزینه‌های مختلف تولید یا ۳۰۰ هزار تن مصرف صنایع تبدیلی و مصرف برآوردی تازه خوری خانوارها جمع کرده و حاصل را از تولید کسر نماییم، توان صادراتی مرکبات کشور در سالهای مورد بررسی، به دست خواهد آمد. جداول (۴) و (۵) توان صادراتی مرکبات کشور و درآمد ارزی حاصل از صدور این محصول را در مقاطع زمانی ۷۸ و ۸۳ نشان می‌دهند.

با بررسی آمار تولید ارایه شده توسط وزارت کشاورزی و آمار مصرف ارایه شده توسط مرکز آمار ایران، مشاهده می‌شود که در تمامی سالها (۷۴-۶۱) یک شکاف ۲۵ درصدی بین ارقام تولید و مصرف وجود دارد. این شکاف، می‌تواند ناشی از زیاد اعلام کردن رقم تولید توسط وزارت کشاورزی، یا کمتر اعلام شدن ارقام مصرف توسط مرکز آمار ایران باشد و یا ناشی از اشتباه هر دو برآورد، باشد.

حال از آنجاکه برآورد تولید و مصرف براساس ارقام ارایه شده انجام گرفته است لذا نمی‌توان از این شکاف، که ماهیتش مشخص نیست، صرف‌نظر کرد. بنابراین، پس از برآورد تولید و مصرف مرکبات

۶. اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۱۳ ص ۱۱۵، «میزان ضایعات مرکبات در مراحل مختلف بازاریابی در بین باغداران منطقه بابل» البته برخی برآوردهای معاونت باغبانی نشان می‌دهد که ضایعات مرکبات در حال حاضر به ۲۰ درصد رقم تولید رسیده است.

۷. معاونت صنایع تبدیلی، وزارت صنایع.

در سالهای ۷۸ و ۸۳ حدود ۲۵ درصد تولید در این سالها را از توان صادراتی به دست آمده کسر می‌نماییم تا بدین ترتیب، توان بالقوه واقعی صادرات ایران در این سالها به دست آید (علامت * در جداول (۴) و (۵) نشان دهنده تعدیل توان صادراتی است).

از مجموع ظرفیت صادراتی، می‌توان بخشی را به صورت تازه خوری و بخشی را هم به صورت آب میوه و کنساتره صادر کرد که با توجه به رقابت شدید موجود در بازار صادراتی مرکبات و افزایش تمایل مصرف کنندگان مرکبات به مصرف آب میوه، به دلیل سهولت در مصرف (به ویژه در کشورهای اروپایی)، توجه به صادرات مرکبات به صورت آب میوه و کنساتره ضروری به نظر می‌رسد. تحقق اهداف مربوط به صادرات مرکبات ایران در سالهای ۷۸ و ۸۳ منوط به افزایش تولید و نگرش صادراتی در تولیدات کشاورزی، کاهش ضایعات تولید و اتخاذ سیاستهایی است که مشکل صادر کنندگان را برطرف نموده و صادرات مرکبات را تسهیل کند.

جدول ۴- برآورد توان صادرات مرکبات ایران در مقطع زمانی ۱۳۷۸

درآمد ارزی حاصل صدور		توان صادرات*	مصرف - تن		ضایعات تولید	مقدار تولید (تن)	گزینه‌های تولید
			صنایع	تازه خوری			
سناریو**	سناریو**	مرکبات (تن)	کنساتره	برآوردی	(تن)	(تن)	
دوم	اول	۱۲۵۲۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۱۹۷	۱۲۴۷۴۰۰	۳۵۶۴۰۰۰	برنامه
۵۰	۴۲	۲۴۸۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۱۹۷	۱۳۵۵۲۰۰	۳۸۷۲۰۰۰	کمینه
۵۰	۴۲	۲۴۸۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۱۹۷	۱۳۵۵۲۰۰	۳۸۷۲۰۰۰	بیشینه
-	-	-	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۱۹۷	-	-	خوش بینانه

مأخذ نتایج محاسبات محقق

* تعدیل توان صادراتی

** در سناریوی اول، درآمد ارزی حاصل از صدور با توجه به متوسط قیمت صادراتی مرکبات ایران در

سالهای اخیر که برابر با ۱۷ سنت به ازای هر کیلوگرم می‌باشد، محاسبه شده است.

** در سناریوی دوم، درآمد ارزی حاصل از صدور مرکبات با توجه به حداکثر قیمت صادراتی مرکبات

ایران در سالهای اخیر که برابر با ۲۲ سنت به ازای هر کیلوگرم است، محاسبه شده است.

جدول ۵- برآورد توان صادراتی مرکبات ایران در سال ۱۳۸۳

سازمانی دوم	درآمد ارزی حاصل از صادرات	نوع صادرات	توان صادراتی (تن)	مصرف		صیانت تولید (تن)	مقدار تولید (تن)	نوع تولید
				صنایع کشتاوره	تازه جوی			
۹۰	۷۰	آب میوه-کشتاوره تازه و جوی	۴۱۱۰۰۰	۱۲۲۳۳۳۷	۹۶۸۰۰۰	۳۸۲۰۰۰	براق	
۱۷۰	۱۳۰	آب میوه-کشتاوره تازه و جوی	۷۸۶۵۶	۱۲۲۳۳۳۷	۱۱۵۵۰۰۰	۶۹۲۰۰۰۰	کپس	
۲۶۵	۱۹۰	آب میوه-کشتاوره تازه و جوی	۱۱۱۶۵۵۶	۱۲۲۳۳۳۷	۱۳۲۰۰۰۰	۵۲۸۰۰۰۰	پسته	
۳۹۰	۳۰۰	آب میوه-کشتاوره تازه و جوی	۱۷۷۶۵۵۶	۱۲۲۳۳۳۷	۱۶۵۰۰۰۰	۶۶۰۰۰۰۰	خوش بیاقه	

منابع: نتایج محاسبات محقق

۲. بررسی موقعیت نسبی ایران در بازار جهانی مرکبات

برای تعیین موقعیت نسبی ایران در بازار جهانی مرکبات، ابتدا شاخصها در مرحله تولید و صادرات مرکبات معرفی می‌گردد و سپس با استفاده از روش تا کسونومی، موقعیت ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. معرفی شاخصهای مزیت در زمینه تولید

یکی از روشهای تعیین مزیت نسبی در تولید، براساس نظریه‌های مزیت نسبی، محاسبه هزینه منابع داخلی (DRC) می‌باشد. از آنجاکه محصول مرکبات در گروه محصولات داخلی قرار دارد و ارزش تولیدی سالانه آن منوط به رسیدگی به هزینه انجام شده سالهای گذشته می‌باشد، بررسی و محاسبه هزینه تمام شده سالانه مرکبات در واحد سطح، امری دشوار به نظر می‌رسد. لذا، در معرفی شاخصهای مزیت تولید از این شاخص صرف نظر شده و تنها به سه شاخص زیر اکتفا شده است.

الف. بازدهی تولید (عملکرد در واحد سطح مرکبات)

عملکرد در هکتار مرکبات یک کشور، بازدهی تولید در واحد سطح را مشخص می‌کند. میزان این بازدهی، رقم کل تولید و هزینه‌های تولید در واحد سطح را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بازدهی تولید مرکبات در کشورهای مورد بررسی، متفاوت است. برخی از این کشورها به دلیل رعایت کلیه اصول بهزراعی و کاشت واریته‌های متناسب با شرایط اقلیمی، محصول بیشتری را از واحد سطح (هکتار) برداشت می‌کنند. رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) با عملکرد ۵۶ تن در هکتار دارای بیشترین بازدهی تولید در بین کشورهای رقیب است. پس از آن، کشورهای امریکا و برزیل با بازدهی ۲۸ و ۲۲ تن در هکتار در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ایران با عملکرد ۱۴ تن در هکتار دارای رتبه ششم بین کشورهاست. پایین‌ترین رقم بازدهی، مربوط به کشور هند (۱۰ تن در هکتار) می‌باشد.

ب. تولید سرانه

شاخص تولید سرانه، بیانگر بهره‌مندی کشور از امکانات تولید مرکبات می‌باشد. در کشوری که تولید سرانه مرکبات بالاتر است، توان امکانات تولید مرکبات در آن کشور فراهم‌تر است.

آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهند که اسرائیل با تولید سرانه ۳۴۳ تن به ازای هر نفر دارای رتبه اول در بین کشورهاست. پس از آن، اسپانیا و برزیل در موقعیت بهتری قرار دارند. ایران با تولید سرانه ۵۰ تن به ازای هزار نفر دارای رتبه پنجم در بین کشورهای تولیدکننده مرکبات است. پایین‌ترین رقم شاخص مربوط به کشور هند با تولید سرانه ۴ تن به ازای هزار نفر است.

ج. نسبت سطح زیر کشت مرکبات به کل سطح زیر کشت

این شاخص، نشان دهنده امکانات بالقوه کشور در تولید مرکبات است. شاخص یاد شده، براساس میزان بهره‌مندی از شرایط اقلیمی و آب و هوایی مساعد، از اندازه‌های متفاوتی در کشورهای مختلف تولیدکننده برخوردار است.

بالاترین رقم شاخص، مربوط به کشور اسرائیل است. در این کشور ۸/۵ درصد از کل سطح زیر کشت به مرکبات اختصاص دارد. پس از اسرائیل، کشورهای ایتالیا و اسپانیا به ترتیب با ۲/۴ و ۲/۲ درصد در رتبه‌های بعدی از لحاظ شاخص سطح زیر کشت می‌باشند. در ایران حدود ۱/۳ درصد از کل سطح زیر کشت به تولید مرکبات اختصاص دارد. هند با رقم ۰/۲۲ درصد دارای رتبه دهم در بین کشورهاست.

۲-۲. معرفی شاخصهای مزیت در تجارت (صادرات)

الف. شاخص مزیت نسبی بارز (RCD)

پروفسور بالا^۸ با بررسی عملکرد صادرات را به عنوان یکی از روشهای تعیین مزیت نسبی بیان می‌نماید^۹. وی معتقد است که می‌توان عملکرد صادراتی کالای خاصی را با استفاده از تغییرات سهم نسبی صادرات در طول زمان ارزیابی نمود. رابطه RCA را به صورت زیر می‌توان نوشت:

$$RCA = \frac{(E_{ij}/E_j)}{(E_{iw}/E_w)}$$

8. B.Balassa

9. Balassa, Bela. "Trade Liberalization and Revealed Comparative Advantage" Manchester School of Economics and Social Studies. vol.33, pages 99 - 123, (1965).

$$E_{ij} = \text{ارزش صادرات کالای } i \text{ از کشور } j$$

$$E_j = \text{ارزش کل صادرات کشور } j$$

$$E_iW = \text{ارزش صادرات انجام شده کالای } i \text{ در جهان}$$

$$EW = \text{ارزش کل مبادلات صادراتی جهان}$$

وقتی مقدار شاخص بالاتر از یک باشد، نشان دهنده مزیت نسبی کشور ز در صدور کالای i در مقایسه با کشورهای رقیب است. همچنین افزایش سهم صادراتی (RCA) در بازارهای جهانی در بین رقبای بزرگ جهانی بیانگر توان رقابت کالای تولید داخلی با کالاهای همگن خارجی است و این امر بیان می‌کند که کالای i یاد شده جهت صدور به بازارهای جهانی، به طور نسبی دارای مزیت می‌باشد.

جهت مقایسه این شاخص در بین کشورهای مورد بررسی، شاخص بالاسا در مقطع زمانی ۱۹۹۴ برای ۱۰ کشور محاسبه گردید. این شاخص برای برخی از کشورها بیشتر از یک و برای برخی دیگر کمتر از یک به دست آمد. بالاترین رقم بالاسا که نشان دهنده بیشترین مزیت نسبی در صدور مرکبات به صورت تازه خوری نسبت به کشورهای رقیب است، متعلق به کشور اسپانیا می‌باشد که معادل ۲۲/۶۸ به دست آمده است. پس از اسپانیا، کشورهای ترکیه (۸/۱۷)، اسرائیل (۷/۰۴) و امریکا (۱/۲۴) دارای بیشترین مزیت در صدور مرکبات می‌باشند. همچنین RCA در مورد کشورهای ایتالیا، ایران، برزیل، پاکستان، چین و هند کوچکتر از یک به دست آمد که نشان دهنده عدم مزیت نسبی این کشورها در صدور مرکبات می‌باشد. ایران با داشتن RCA معادل ۰/۳۲ در رتبه نهم قرار دارد.

ب. نسبت مصرف داخلی به تولید داخلی
در نظر گرفتن سهم بازار داخلی در ترکیب تقاضا برای کالای تولیدی کشور، یکی از شاخصهای مزیت نسبی است. این شاخص که نشان دهنده اهمیت بازار داخلی در ترکیب تقاضا برای کالای تولیدی کشورهاست، در مورد کشورهای مختلف، محاسبه شده است. طبق تعریف، کشوری که سهم بالایی از تولید مرکبات خود را در داخل مصرف می‌نماید، مزیت کمتری در صدور مرکبات به صورت تازه خوری نسبت به کشوری که سهم مصرف داخلی اش از تولید داخلی ناچیز است، دارد. محاسبات انجام شده نشان می‌دهند در بین کشورهای مورد بررسی، اسپانیا دارای بیشترین مزیت نسبی در صدور مرکبات است، زیرا سهم اندک مصرف داخلی به تولید داخلی، این کشور را قادر به حضور بیشتر در بازار جهانی مرکبات، نموده است. پس از اسپانیا، کشورهای ترکیه و اسرائیل دارای رتبه‌های بعدی

براساس شاخص مذکور می‌باشند. در ایران، سهم مصرف داخلی از تولید داخلی ۹۸/۹ درصد است که این امر، بیانگر اهمیت بازار داخلی از ترکیب تقاضا برای مرکبات ایران است.

ج. کیفیت مرکبات صادراتی

اهمیتی که بازارهای میوه به کیفیت میوه صادراتی از جمله مرکبات، قائل هستند، باعث شد تا در این مقاله از شاخص کیفیت به عنوان یک شاخص مزیت در تجارت نام برده شود. چه بسیار کشورهایی هستند که در بازار جهانی تولید انواع میوه به رغم داشتن مزیت اقتصادی در تولید، به دلیل نداشتن حداقل توانایی در صدور میوه با کیفیت مورد نظر تقاضا کنندگان، حضوری کم‌رنگ در بازارهای جهانی دارند.

کیفیت مرکبات را با ضرایب عددی مربوط به اسیدیته، مقدار ویتامینهای موجود، مزه و طعم، مقدار عصاره، درجه بریکس (مجموع مواد جامد قابل حل) میزان قند، ضخامت پوست و... ارزشیابی می‌کنند. از آنجایی که در رتبه بندی، در نظر گرفتن تمامی استانداردهای تعیین شده و الزامی در مورد صدور مرکبات، امکان پذیر نبود لذا به ناچار میانگین قیمت و روند چند سال اخیر قیمت صادراتی مرکبات کشورهای مورد بررسی و مقایسه آن با سایر کشورها، مورد استفاده قرار گرفت.

بررسیهای انجام شده نشان می‌دهند که بهترین کیفیت مرکبات صادراتی، مربوط به کشور اسپانیا می‌باشد. پس از آن، کشورهای امریکا، ایتالیا، چین، ترکیه، اسرائیل، برزیل، پاکستان، هند و ایران قرار گرفته‌اند.

۲-۳. رتبه بندی کشورهای عمده تولید کننده مرکبات براساس شاخصهای مزیت در تولید و تجارت

شاخصهای مزیت معرفی شده در تولید و تجارت مرکبات با استفاده از روش تاکسونومی با هم ترکیب شدند تا رتبه بندی کشورها از لحاظ مزیت در تولید و تجارت به دست آید. به منظور بررسی اثر هر یک از شاخصهای معرفی شده در رتبه بندی کشورها، شاخصها در سه مرحله به ماتریس شاخصهای تاکسونومی اضافه گردیدند.

محاسبات ماتریس و آزمون توزیع مینیمم، بیانگر این نکته است که اسرائیل در هر سه مرحله در دسته همگن دیگر کشورها قرار ندارد لذا با حذف اسرائیل، عملیات تاکسونومی عددی در مورد ۹ کشور همگن انجام گرفت.

۲-۳-۱. رتبه بندی کشورها براساس شاخصهای مزیت در طرف تولید

به منظور رتبه بندی کشورها در طرف تولید، ۳ متغیر عملکرد در هکتار تولید مرکبات (بازدهی تولید)، تولید سرانه و نسبت سطح زیر کشت مرکبات به مجموع سطح زیر کشت به شرحی که گذشت، در نظر گرفته شدند.

جدول (۶)، رتبه بندی کشورها را با توجه به عدد تا کسونومی پس از ترکیب شاخصهای معرفی شده نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌گردد، کشور برزیل از لحاظ متغیرهای تولید در رتبه اول قرار دارد و پس از آن، کشورهای اسپانیا و امریکا دارای رتبه‌های بعدی می‌باشند. این جدول نشان می‌دهد که ایران از نظر شاخصهای تولید در رتبه پنجم قرار دارد. این مقام، به علت موقعیت بهتر ایران از لحاظ شاخصهای تولید به ویژه تولید سرانه و سهم سطح زیر کشت از کل سطح زیر کشت، به دست آمده است.

۲-۳-۲. رتبه بندی کشورها با منظور کردن شاخصهای تجارت (صادرات)

پس از بررسی شاخصهای تولید، در مرحله دوم، متغیرهای طرف تجارت که در مزیت نسبی تجارت مؤثرند طی دو مرحله وارد ماتریس شاخصهای تا کسونومی شدند تا بدین ترتیب تأثیر عوامل طرف تجارت بر رتبه بندی کشورها مشخص گردد. در مرحله اول، دو شاخص بالاسا (RCA) و نسبت مصرف داخلی به تولید، به ۳ شاخص قبلی تولید اضافه شدند. جدول (۷) رتبه بندی کشورها را با ترکیب ۵ شاخص تولید و تجارت براساس عدد تا کسونومی نشان می‌دهد.

همانطور که ملاحظه می‌گردد، رتبه بندی کشورها با وارد شدن شاخصهای تجارت کاملاً دگرگون شده است. بدین ترتیب که در بین کشورهای مورد بررسی، کشورهایی چون برزیل و ایران که از لحاظ تولید دارای مزیت‌های فراوانی می‌باشند، به دلیل عدم کارایی در مرحله صدور کالا، رتبه ممتاز خود را از دست داده و از جهت شاخصهای تولید و تجارت به ترتیب، رتبه‌های چهارم و ششم را در بین کشورهای مورد بررسی حایز شده‌اند. در مقابل، کشورهایی چون اسپانیا و ترکیه به رغم آنکه در طرف تولید دارای مزیت کمتری می‌باشند، ولی به دلیل توفیق در امر صدور مرکبات، از موقعیت بهتری با اضافه شدن شاخصهای تجارت، بهره‌مند شده‌اند.

۲-۳-۲. رتبه بندی کشورها با منظور کردن شاخص کیفیت مرکبات صادراتی

کیفیت، یکی از عوامل مهم در صدور مرکبات و میزان تقاضای این محصولات در بازارهای مصرف

است. به منظور وارد کردن عامل کیفیت و بررسی آن در رتبه بندی مزیت کشورها، این شاخص به مجموعه ۵ شاخص قبلی تولید و تجارت اضافه گردید. جدول (۸) رتبه بندی کشورها را پس از ترکیب ۶ شاخص تولید و تجارت نشان می دهد. همانگونه که ملاحظه می گردد، با اضافه شدن شاخص کیفیت، رتبه چند کشور ممتاز در مرحله قبلی تغییر چندانی نکرده و برعکس، رتبه کشورهای پایین، دگرگون شده است. کیفیت پایین مرکبات صادراتی ایران، رتبه ایران را تغییر داده و از ۶ به ۸ رسانده است. مقایسه نتایج حاصله از مراحل مختلف روش تا کسونومی، نشان می دهد که ایران گرچه به لحاظ شاخصهای مزیت در طرف تولید در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد و از موقعیت بهتری نسبت به کشورهای چین، ترکیه، پاکستان و هند برخوردار است ولی با اضافه کردن شاخصهای مزیت در زمینه تجارت، رتبه ممتاز خود را از دست داده و در رده های آخر قرار می گیرد.

جدول ۵- رتبه بندی کشورها با ترکیب سه شاخص تولید

رتبه	نام کشور
۱	برزیل
۲	اسپانیا
۳	امریکا
۴	ایتالیا
۵	ایران
۶	ترکیه
۷	پاکستان
۸	چین
۹	هند

مأخذ: نتایج حاصل از محاسبات تا کسونومی عددی

جدول ۶- رتبه بندی کشورها با ترکیب پنج شاخص تولید و تجارت

رتبه	نام کشور
۱	اسپانیا
۲	ترکیه
۳	امریکا
۴	برزیل
۵	ایتالیا
۶	ایران
۷	چین
۸	پاکستان
۹	هند

مأخذ: نتایج حاصل از محاسبات تاکسونومی عددی

جدول ۷- رتبه بندی کشورها پس از اضافه کردن شاخص کیفیت

رتبه	نام کشور
۱	اسپانیا
۲	ترکیه
۳	امریکا
۴	ایتالیا
۵	چین
۶	برزیل
۷	پاکستان
۸	ایران
۹	هند

مأخذ: نتایج حاصل از محاسبات تاکسونومی عددی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. به رغم آنکه به لحاظ شرایط مساعد جغرافیایی، مناطق وسیعی از باغات در شمال و جنوب کشور به کشت مرکبات اختصاص دارد (بالغ بر ۲۰۰ هزار هکتار) به علت عدم رعایت اصول صحیح باغداری، عملکرد در هکتار تولید در سطح مطلوبی قرار ندارد (۱۵ تن در هکتار) که این رقم با متوسط عملکرد جهانی (۲۵ تن در هکتار) فاصله بسیاری دارد.
۲. رقم پایین بازدهی تولید هیچ تناسبی با امکانات بالقوه تولید مرکبات ندارد. بنابراین، باید هدف افزایش بازدهی تولید با حفظ سطح زیرکشت موجود، مدنظر مسؤولان وزارت کشاورزی قرار گیرد.
۳. افزایش بازدهی تولید در گرو عواملی چون برنامه اصلاح باغات از جهت نوع واریته، نوع و ترکیب خاک و رعایت کلیه عوامل بهزرایی در تولید خواهد بود.
۴. بررسی وضع تولید مرکبات در شمال و جنوب نشان می‌دهد که در جنوب، مرکبات تولیدی بازار پسندتر می‌باشند. در حالی که مرکبات شمال قابل رقابت با محصول تولید شده در جنوب و کشورهای عمده تولید کننده نیستند لذا پیشنهاد می‌گردد تا برنامه اصلاح باغات شمال و توسعه و بهسازی باغات جنوب توسط وزارت کشاورزی پیگیری گردد.
۵. تنوع شرایط اقلیمی، امکان تولید محصولات مختلف را در کشورمان فراهم کرده است. در این ارتباط، جهت بهره‌برداری مطلوب از امکانات بالقوه تولید پیشنهاد می‌گردد تا سیاست کشت منطقه‌ای توسط مسؤولان ذیربط به اجرا درآید.
۶. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که کشور در سالهای ۷۸ و ۸۳ از قابلیت صدور حداقل ۱۲۰ و ۴۰۰ هزار تن مرکبات به ارزش ۲۰ و ۷۰ میلیون دلار برخوردار می‌باشد^{۱۰}. تحقق اهداف مربوط به صادرات مرکبات ایران در سالهای ۷۸ و ۸۳ منوط به افزایش راندمان تولید، کاهش ضایعات، نگرش صادراتی به تولید، برطرف شدن موانع صادراتی و بازاریابی مناسب در مورد محصول صادراتی است.
۷. یکی از راههای جذب تولید مازاد بر مصرف داخلی، توجه به صنایع تبدیلی است. توسعه صنایع تبدیلی بهترین شیوه جهت جلوگیری از به هدر رفتن محصول، جلوگیری از فساد و ازدیاد زمان
۱۰. در این ارتباط، در سمینار کشاورزی و بازارهای جهانی (شهریور ۱۳۷۵) مطالعات دیگری نیز انجام شده است که برآوردهای متفاوتی را ارائه می‌دهند. در یکی از این مطالعات، بر مبنای فروض عنوان شده، توان صادراتی مرکبات ایران در سال ۱۳۸۰ حدود ۸۵۰ هزار تن نیز برآورد گردیده است.

نگهداری در انبار و حمایت از باغدارانی است که توانایی مالی اصلاح نژاد باغات مرکبات خود را ندارند. با توسعه صنایع تبدیلی، علاوه بر درآمدهای ناشی از صدور کنسانتره، در مصرف ارز برای تولید و واردات بیشتر نوشابه‌های معمولی تجاری نیز صرفه جویی خواهد شد.

۸. جایگاه ایران در مزیت نسبی مرکبات با در نظر گرفتن شاخصهای مختلف تغییر می‌کند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که ایران از نظر شاخصهای مزیت در طرف تولید از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار است. به عبارت دیگر، ایران به لحاظ بهره‌مندی از عوامل تأثیرگذار در تولید مرکبات در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۹. مقایسه آمار صادرات کشورهای عمده تولید کننده مرکبات نشان می‌دهد که ایران به رغم آنکه دارای وضعیت مطلوبی از جهت تولید (۳/۳ درصد تولید جهانی) در بین کشورهای مورد بررسی است ولی در مقایسه با این کشورها، سهم بسیار ناچیزی در صادرات جهانی مرکبات دارد (۰/۳۴ درصد صادرات جهانی).

۱۰. از بین کشورهای منطقه، ایران از نظر شاخصهای تولید وضعیت بهتری از کشورهای ترکیه، پاکستان، چین و هند دارد که با در نظر گرفتن شاخصهای مزیت در طرف تجارت، ایران رتبه ممتاز خود را از دست می‌دهد و دارای وضعیتی بهتر فقط از هند می‌شود.

۱۱. شاخص بالاسا که نشان دهنده سهم نسبی صادرات در بازارهای جهانی است، در مورد ایران کمتر از یک به دست آمده است. این رقم بیانگر عدم مزیت نسبی ایران در صدور مرکبات در بین کشورهای مورد بررسی است.

۱۲. بررسی حاضر نشان می‌دهد که مرکبات صادراتی ایران از نظر کیفیت در وضعیت خوبی نسبت به کشورهای رقیب قرار ندارد. با اضافه کردن شاخص کیفیت به مجموعه متغیرهای طرف تولید و تجارت، ایران رتبه هشتم را حایز می‌گردد.

۱۳. پایین بودن شاخص بالاسا و کیفیت، بالا بودن نسبت مصرف داخلی به تولید داخلی، موجب از دست رفتن مزیت ایران در مرحله تولید مرکبات و سقوط رتبه ایران از ۶ به ۸ در بین کشورهای مورد بررسی شده است. لازم است تا جهت رسیدن ایران به جایگاه شایسته خود در بازار جهانی مرکبات اقداماتی صورت گیرد که از مهمترین آنها می‌توان به بازنگری مقررات ارزی و صادراتی کشور، افزایش امکانات حمل و نقل جاده‌ای، سرمایه‌گذاری در انبارها، تقویت اتحادیه‌های صادراتی و از

همه مهمتر تحکیم تجارت منطقه‌ای اشاره کرد.

۱۴. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده از امکانات تولیدی کشور برای صادرات، مستلزم توجه و حرکت بیشتر در زمینه‌های تجارتي برای تحقق یافتن این درآمد ارزی بالقوه است. در این زمینه، بررسی موانع و مشکلات صادرات مرکبات می‌تواند موضوع پژوهشهای آتی باشد تا براساس پیشنهادهای اجرایی مشخص، تنظیم و توصیه گردد.



منابع

۱. معاونت امور باغبانی وزارت کشاورزی گزارش عملکرد باغبانی کشور، سال ۱۳۷۲
۲. معاونت امور باغبانی وزارت کشاورزی مطالعات باغبانی کشور، گزارش مهندسين مشاور ويسان، سال ۱۳۷۲
۳. مركز مطالعات برنامه ريزي و اقتصاد کشاورزي، طرح بررسي عملکرد و امكانات بالقوه صادراتي برخي محصولات زراعي و باغي در استان فارس، مرداد ۷۶
۴. مركز مطالعات برنامه ريزي و اقتصاد کشاورزي، سمينار کشاورزي ايران و بازارهاي جهاني، ۱۷ و ۱۸ شهريور ۱۳۷۵
۵. مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني، الگوها و پيش نيازهاي مدل برنامه ريزي بخش بازرگاني (روش اقتصاد سنجي و رياضي)، فروردين ۷۴
۶. مديريت آمارهاي مالي و محاسبات ملي مركز آمار ايران، برآورد كشش درآمدي تقاضا در ايران به تفكيك شهري و روستايي، شهريور ۶۵
۷. مركز آمار ايران، الگوي مصرف و درآمد خانوارهاي شهري و روستايي کشور (۷۰ - ۵۰)، مرداد ۱۳۷۲
۸. فتحی، حبیبه. بازار جهانی مرکبات و کیوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵
۹. مركز تحقيقات روستايي و اقتصادي کشاورزي، برنامه پنجساله بخش کشاورزي (۷۲ - ۱۳۶۸)
۱۰. دفتر امور ميوه جات گرمسيري و نيمه گرمسير وزارت کشاورزي، گزارش يازدهمين اجلاس بين الدول مرکبات، ایتالیا، اردیبهشت ۷۵
۱۱. اخوي، احمد. تجارت بين الملل. استراتژي بازرگاني و توسعه اقتصادي، مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني، خرداد ۷۳
۱۲. نادري، ابوالقاسم، مزيت نسبي و توسعه صادرات ايران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني، آبان ۱۳۷۱
۱۳. مؤسسه مطالعات و پژوهشهاي بازرگاني ايران، بررسي مسایل و مشکلات صادرات غير نفتي ايران، آبان ۱۳۶۹.

۱۴. نوریبخش، محمود، بررسی مزیت نسبی استان مازندران در امر صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای آسیای مرکزی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، آبان ۷۵.
۱۵. محمود حمید نژاد و محمدزاد، مارکتینگ مرکبات از بعد سیستماتیک، دفتر مرکزی امور تحقیقات اقتصادی طرحهای تحقیقاتی کشاورزی، تابستان ۱۳۷۳.
۱۶. آمار بازرگانی خارجی کشور - (۱۳۷۳ - ۱۳۵۸).
۱۷. حاجی، حسین، خلاصه گزارش مرکبات در ایران، وزارت کشاورزی، خرداد ۵۶
18. FAO, FAO, Production Yearbook (1980 - 1995).
19. FAO, FAO, Trade Yearbook (1980 - 1994).
20. International Fruit World, 1990 - 1995.
21. Food News, Juices, Fruit, Various Issues.
22. Citrograph, Various Issues.



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني